



نگهبان یکپارچگی باشیم

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس روز گذشته در نطق پیش از دستور گفت: «امروز بر همگان روشن شده است که دشمن در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی ضربه بزرگی از مردم ایران خورده است. بزرگ‌ترین عامل بازدارنده‌ی دشمن از دست‌درازی مجدد به ایران عزیز انسجام ملی است که دنیا آن را مشاهده کرد. بی‌تردید حفظ این انسجام بزرگ‌ترین وظیفه هر ایرانی است و لازمه این انسجام فصل الخطاب دانستن رهبر معظم انقلاب به عنوان تکیه‌گاهی اطمینان‌بخش است. بیانات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با مسئولان قوه قضائیه بار دیگر راهنمای خواص و مایه دلگرمی مردم شد. «امر ملی» دانستن کار بزرگ ملت در شکست دادن دشمن مفهوم مهمی است که ایشان بر آن تأکید کردند.»

بطل السحر نقشه‌های دشمنان

وی در ادامه افزود: «دشمن ایران، بزرگ‌ترین شکست را از ملت ایران خورده؛ این دست‌ملت‌بود که به‌صورت دشمن سیلی زد. این ملت پیوندی از عمق جان با کشور خود دارد و بی‌وطن‌ها، ملت‌های اجاره‌ای یا مزدوران آواره، توان فهم نسبت تاریخی ملت ایران با کشورشان را ندارند. مردم ایران باطل السحر نقشه‌های دشمنان ایرانند. رهبر معظم انقلاب یکپارچگی افراد با جهت‌گیری‌های سیاسی مختلف و بعضاً متقابل و با وزن‌های مذهبی مختلف را اتحاد عظیم ملی دانستند که این وظیفه سنگین برای نخبگان ومسئولان ایجاد می‌کند. مأموریت رهبر حکیم انقلاب به همه ما این است که نگهبان این امر ملی باشیم.» وی افزود: «بر همه واجب است از آنچه که این اتحاد و یکپارچگی را تضعیف می‌کند، پرهیز کنند و در مقابل ذی‌نفعان اشتقاقی و اختلاف، سینه‌سیر کنند؛ نباید اجازه داد کسی در شکاف اختلاف سلیقه‌ها برای خود یا جناح سیاسی اش لانه و آشیانه بسازد. افراد گوناگونی از سر کینه یا غضب نسبت به ایران یا نظام و یا برای گروه‌گرایی سیاسی، بقای خود را در چنگ زدن به چهره و وحدت‌آفرین نظام می‌بینند اما ملت ایران عزم همدلی و یکپارچگی کرده است و به یاری خدا این امر ملی روز به روز قوی تر خواهد شد.»

از اعتراض از سر بی‌اطلاعی پرهیز شود

رئیس مجلس خاطرنشان کرد: «ریل‌گذاری رهبر انقلاب در حوزه رفتاری نیز فصل الخطابی روشن برای همه خصوصاً نیروهای انقلابی و صاحبان تربیون است. اعتراض از سر بی‌اطلاعی و بی‌صبری و پافشاری بر یک نظر یا الحن نادرست و نسنجیده، ذیل هرنام و عنوانی به ضرر کشور است و باید از آن پرهیز شود.» قالیباف در ادامه گفت: «سیاست‌گذاری رهبر معظم انقلاب برای دیپلماسی و میدان کردند و تعیین نمودند که ایران در همه عرصه‌ها فقط با دست پر و از موضع قدرت وارد می‌شود، این موضوع چراغ راه دستگاه سیاست خارجی و نیروهای مسلح است که نشان می‌دهد راهبرد اصلی، قوی شدن ایران در عرصه‌های مختلف است و باعث می‌شود دشمن به جای اینکه دنبال صلح تحمیلی یا جنگ تحمیلی برود پاسخگوی مطالبات بحق مردم ایران باشد. ما بر این باوریم که اگر همه با فصل الخطاب دانستن رهبر انقلاب، ذیل رهنمودهای ایشان عمل کنیم و مخصوصاً بر حفظ انسجام ملی اهتمام بخشیم، نفعتها زهر تجاوز مجددی به کشورمان جلوگیری خواهد شد بلکه دشمن مجبور به پذیرش حقوق مردم ایران می‌شود.»

ایران در کنار مردم سوریه می‌ایستد

رئیس مجلس با اشاره به تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به سوریه، گفت: «در خصوص تجاوزهای وحشیانه رژیم صهیونی به دمشق نیز باید تصریح کرد، ایران همواره در کنار مردم سوریه می‌ایستد و از یکپارچگی و تمامیت ارضی این کشور دفاع می‌کند اما تجاوزهای گسترده رژیم صهیونی علیه افراد دست‌نشانده و وابسته به نظام سلطه پیام‌های مهمی را با خود به همراه داشت. «وی افزود: «امت اسلامی امروز فهمیده است که دمشق آخرین پایتخت یک کشور اسلامی نخواهد بود که این رژیم به آن حمله می‌کند و دولت‌ها و امت‌های اسلامی، پیش از آنکه این آتش دامن آنها را بگیرد، باید برای کشیدن قلابه سنگ زنجیری آمریکا متحد شوند؛ قصد رژیم بی‌ثبات‌سازی، خلع سلاح، تجزیه کشورهای جهان اسلام و توسعه فضای سرزمینی است.» قالیباف در پایان گفت: «امروز که برای همه روشن شده است که چه نقشه‌های شومی برای خلع سلاح کردن و به خاک و خون کشیدن تمام منطقه طراحی شده است، مطمئن هستیم که به یاری خدا صفحه‌ای جدید از مقاومت در برابر نسل‌کشی، جنایت و اشغالگری رژیم صهیونی در منطقه و جهان ورق خواهد خورد.»

در مسیر کمک‌رسانی به دشمن

«تسلیح حقوقی دشمن» و بررسی مقاله‌ای که اخیراً توسط سیدمصطفی محقق داماد و محمد درویش زاده در این زمینه نوشته شد



فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

یکی از مواردی که سال‌های سال است در فضای سیاسی ایران وجود دارد، اظهارنظرها و اقداماتی است که می‌تواند در خارج از ایران توسط سایر کشورها علیه ایران، مورد استفاده قرار بگیرد. در این ارتباط بارها، به‌ویژه درباره مسائل بین‌المللی از سوی سیاستمداران هشداریایی داده شده که به نظر می‌رسد چندان به آنها توجهی صورت نگرفته است. این موضوع گاهی درباره سخنان نمایندگان مجلس و گاهی خطیبان نمازجمعه و سیاستمدارانی بوده است که به اشکال گوناگون با سخنان تندروانه‌شان هم وجود چنددستگی در کشور در برابر مسائل بین‌الملل را مطرح کرده‌اند و هم فرصتی برای سوءاستفاده دشمنان از سخنان آنها برای مثلاً جنگ‌طلبی ایران و... فراهم کردند. پس از پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و ورود به دوره آتش‌بس هم این موضوع یکبار دیگر مورد توجه قرار گرفته است و اخیراً سیدمصطفی محقق داماد، مجتهد، فیلسوف و حقوقدان و محمد درویش‌زاده، قاضی سابق دیوان عالی کشور، با عنوان «تسلیح حقوقی دشمن و نقش آن در ایجاد جنگ ۱۲روزه» به صورت علمی این موضوع را مورد بررسی قرار دادند.



علی تقی‌زاده عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه علامه طباطبایی:

سازوکارهای پیشگیری از اظهارنظرهای هزینه‌زا وجود دارد

مورد اخیر، برای مثال، می‌توان به موضوعی اشاره کرد که سال‌ها قبل توسط آقای احمدی‌نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل بیان شد با انکار هولوکاست، سال‌های سال برای کشور هزینه ایجاد کرد. یاد هست آن موقع یکی از دوستان به آمریکا سفر کرده بود، می‌گفت رفته بودیم جایی و دیدیم صفی طولانی تشکیل شده؛ پرسیدیم این چه صفی است؟ گفتند صف موزه هولوکاست است. می‌گفت این موزه هیچ بازدیدکننده‌ای نداشت؛ از موقعی که رئیس‌جمهور شما آن حرف را زده، توجه به هولوکاست جلب شده است. متأسفانه نظام ما بعضی اوقات از در زوراه داخل نمی‌ود اما برخی اوقات از سوراخ سوزن رد می‌شود. یک وقتی یک جوان دانشجو، یک جمله سیاسی می‌نویسد سراغ او می‌روند اما یک اوقاتی هم یک مقام رسمی گاف بزرگی می‌دهد و برای کشور هزینه ایجاد می‌کند اما کاری با او ندارند.

علت نوع ماجراها و هزینه‌هایی که برای کشور ایجاد می‌شود را ضعف در ساختار حقوقی و قوانین می‌دانید و یا ضعف در اجرای قوانین؟

این یک معادله چندوجهی است. این نیست که بتوان فقط یک علت را نام برد. به عنوان یک آدم حقوقی، به نظر ما کمبود قوانین و مقررات نداریم، بلکه دلایل دیگری دارد که یکی از آنها در حوزه اجراست. به نظر می‌رسد قبل از هر چیزی، اراده جدی بر حل و فصل این مسائل وجود ندارد. قوانین و مقررات به اندازه کافی وجود دارد، هر جایی هم که اراده کنند کاری را انجام دهند، نتوانسته‌اند و انجام داده‌اند اما ظاهراً اراده‌ای در این موضوع و حل کردن آن وجود ندارد. نفوذی‌ها خیلی پر قدرت هستند، می‌توانند حرف‌هایشان را از زبان افراد دیگر بیان کنند و به اهداف خود می‌رسند. من نگاه‌م به این ماجرا بدبینانه است، مشکل حقوقی و ساختاری نیست. برخی اوقات احساس می‌شود که برخی مصونیت دارند.

براساس آنچه که به صورت صریح در قانون اساسی اشاره شده است، همه در برابر قانون برابر هستند ولی خودتان اشاره کردید که عده‌ای حرف‌هایی را می‌زنند و اقداماتی را انجام می‌دهند که برای کشور هزینه ایجاد می‌کند اما برخوردی با آنها نمی‌شود. این مصونیت برآمده از چیست؟

چیزی که در قانون اساسی آمده، تأکید به برابری همه در برابر قانون است اما در عمل، چیز دیگری دیده می‌شود. براساس قوانین، هر کسی خسارتی به دیگری وارد کرد باید خسارت را جبران کند اما افرادی وجود دارند که به کشور خسارت وارد می‌کنند اما کسی به آنها نمی‌گوید بالای چشمشان ابروست و حتی آنها را روی سرشان هم

شده، ناخواسته باشد؛ به خصوص با ما اجرای نفوذ که این روزها در باره آن می‌شنویم؛ این مورد مصادیق زیادی پیدا می‌کند. برای مثال به یکی از موارد اخیر که مجلس دوازدهم انجام داده است، اشاره کنم. الان با این اوضاع و احوالی که وجود دارد، چه جای تصویب قانونی بود که ما مرادات‌مان را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به حالت تعلیق درآوریم. از این داستان ما چه چیزی به دست می‌آوریم؟ غیر از این است که دست طرف مقابل گرک بدهیم؟ تعبیرها به گونه‌ای بود که از آن، خروج از NPT استنباط شود. این موارد مشکوک است و می‌تواند شواهد علیه ما را تقویت کند. آقای محقق داماد و درویش‌زاده هم گریزی به این مسائل زده‌اند و از این نوع موارد، آدم فراوان می‌بیند. این مسائل هم از طرف جریان خاصی مطرح می‌شود که با نهایت تأسف افراد دیگری هم گاهی اوقات همراه این جریان می‌شوند.

پیرامون اظهارنظرهایی که در فضای داخلی کشور از سوی مثلاً نمایندگان مجلس انجام می‌شود می‌توان با توجه به ادعاهای برخی افراد، این برداشت را در فضای بین‌الملل داشت که بر مبنای همین دسته سخنان، آنها مدعی مواردی مانند رسیدن به سلاح هسته‌ای از طرف ایران، شده‌اند. نظراتن درباره این شکل از اظهارنظرها چیست و چقدر این اظهارات به «تسلیح حقوقی دشمن» همان موضوعی که به آن اشاره شد، کمک کرده است؟

باید بین اظهارنظرها از سوی جامعه و مقامات تفکیک قائل شد. یک وقت افرادی اظهار نظر می‌کنند که مسئولیتی ندارند. این یک بحث است، اما وقتی یک مقام رسمی از نماینده مجلس گرفته تا وزیر و رئیس‌جمهور حرفی را می‌زند، وضعیت فرق می‌کند. گرچه در کشور ما، سازوکارهایی وجود دارد که می‌توان جلوی این نوع اظهارنظرها را گرفت. چطور وقتی یک اتفاقی رخ می‌دهد که روزنامه‌ها نباید به آن اشاره‌ای کنند، خیلی سریع قبل از اینکه تیترو شود، به روزنامه‌ها هشدار داده می‌شود که درباره این موضوع‌ها کار نکنند و یا با فاصله بعد از اینکه به این موضوع‌ها پرداخته شد، با آن رسانه برخورد می‌شود اما در برابر حرف یک مقام مسئول چنین چیزی وجود ندارد؟ جلوی هر دو گروه چه‌انهایی که مدیر هستند چه‌انهایی که مسئولیتی ندارند را می‌توان گرفت. بیان هر حرفی از سوی فردی که مقام بالایی دارد، قابل تحمل نیست. اینها باید همه ابعاد حرفی که می‌خواهند برزند را قبل از اینکه جمله گفته شود، ارزیابی کنند و بعد حرف را بگویند. بیان یکسری مسائل با هیچ کدام از اصول سیاسی و حقوقی سازگاری ندارند. این حرف‌ها سندی علیه ما خواهد شد. به غیر از این

